

یادداشت‌های زیرزمینی

با چهارده تفسیر

فیودار داستایفسکی

مترجم: حمیدرضا آتش‌م‌آب

انتشارات علمی و فرهنگی

چاپ چهاردهم

تهران، آذر ۱۴۰۰

داستایوسکی، فنودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۱-۱۸۸۱ م. Dostoyevsky, Fyodor
یادداشتهای زیرزمینی با چهارده تفسیر/ فیودار داستایفسکی؛ مترجم: حمیدرضا آتش‌برآب.
تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.

د، ۵۶۶ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۱۳۱-۷۷۶-۰

فابا (چاپ دوم)

چاپ چهاردهم: ۱۴۰۰

داستان‌های روسی - قرن ۱۹ م.

آتش‌برآب، حمیدرضا، ۱۳۵۶ - مترجم

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی Elmi - Farhangi Publishing Co

PG ۳۳۶/۰ ی ۲۱۳۹۴

۸۹۱/۷۳۳

۴۰۰۳۱۴۴

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

یادداشتهای زیرزمینی

با چهارده تفسیر

نویسنده: فیودار داستایفسکی

مترجم: حمیدرضا آتش‌برآب

چاپ نخست: ۱۳۹۴

چاپ چهاردهم: آذر ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

اداره مرکزی:

تهران، بلوار نلسون ماندلا، تقاطع حقانی (جهان کودک)، خیابان انتشارات علمی و فرهنگی

(کمان سابق)، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ تلفن: ۵۸۴۱۵

فروشگاه مرکزی (پرتده‌ای):

بلوار نلسون ماندلا، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلغام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴۰-۳

فروشگاه یک:

خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۶۹۶۳۸۱۵-۱۶ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو:

خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۸۸۳۴۳۸۰۶-۷



elmifarhangipi.ir



elmifarhangipub



انتشارات علمی و فرهنگی

فهرست مطالب

یادداشت مترجم	۱
---------------------	---

یادداشتهای زیرزمینی

بخش نخست: زیرزمین	۳۵
بخش دوم: به مناسبت برف نمناک	۱۰۳

تفسیرها

ساختار و انسجام در یادداشتهای زیرزمینی. رالف متلا	۲۵۳
درآمدی بر مسائل اخلاقی یادداشتهای زیرزمینی. دیمن نظیروف	۲۸۹
بازخوانی یادداشتهای زیرزمینی. آلبرتو موراویا	۳۱۴
بلاغت اعتراف: یادداشتهای زیرزمینی و اعترافات روسو. باربارا هاورد	۳۲۴
انتزاع در یادداشتهای زیرزمینی. جی. آر. هال	۳۴۸
هراس از ایمان: پیام مذهبی پنهان در یادداشتهای زیرزمینی. کرول فلت	۳۷۳
مرد زیرزمینی: جست و جوی معنا. لیندا ویلیامز	۴۰۵
مرد زیرزمینی در هیأت برادر بزرگ: اتنی اتویسای داستایفسکی و اورول	۴۲۹
آدرین وانر	۴۲۹
در باب اندیشه بارادوکسال انسان زیرزمینی. فرانکا بلترامه	۴۴۷
یادداشتهای زیرزمینی به مثابه مجالی موزیکال. سرگی باچاروف	۴۶۴
مجادلات فلسفی در یادداشتهای زیرزمینی. ماریا بملیانوا	۴۸۰
غریبه درون: درباره یادداشتهای زیرزمینی. پیترو رابرتس	۴۹۵
آگاهی، اخلاق و آقای زیرزمینی. تامس دالک	۵۱۰

ده یادداشتهای زیرزمینی

شخصیت‌شناسی آثار داستایفسکی در دریافت هنری ادبیات قرن بیستم، الگا

۵۲۷ چوداوا

۵۴۱ فهرست ترجمه یادداشتهای زیرزمینی به برخی زبانهای مهم

۵۴۹ طرح جلد مشهورترین ترجمه‌ها

www.ketab.ir

داستان‌فلسفی، وجدان دردناک روسیه است،
ماکسیم گورکی

یادداشت مترجم

آقایان! خانم‌ها! گوش کنید! شما یکی از دشوارترین،
دراماتیک‌ترین و غیرقابل‌هضم‌ترین رمان‌ها را در دست دارید.
اکنون چیزی بیش از صدوپنجاه سال از نگارش این اثر می‌گذرد؛
نخستین رمان تک‌گویی درونی و اولین جریان‌های وجدان که
تاریخ ادبیات به‌خاطر می‌آورد؛ حتی پیشتر از ولوگه جوشان
جیمز جویس، ایتالو ازوو، روبرت موزیل، آلفرد دوبلین و ژان پل
سارتر. این رمان تسلایی اندک است که انسان‌های باهوش را به
هیچ نمی‌رساند، اما دیوانه‌ها با آن حتماً به جایی می‌رسند. دُرِ
بسیار قوی و کشنده‌ای دارد و برای بسیاری همان بهتر که هرگز
آن را تورق نکنند.

خواننده عزیزم؛ کدام بهتر است؟ شادی مبتذل یا رنج متعالی؟
آه، این بشر، آه، از این بشر! بشر، یکسره تحقیر و تنهایی است،
زندانی هزارتوی خود، بنابراین، متمایل است به کینه‌توزی و
خشم. پیوسته رشک می‌برد به داشته‌های منوع‌عش و حتی فکر و

تلاش او. بشر - این موجود بیهوده دویا - با نیروی اهریمنی و شکوهمند زندگی اش، صوت احشای رجم گرم زمین است به گوش جهنم آرام دلخواهش. زندگی بشر، زندگی با خیال انتقام و انقلاب و رستاخیزی که هرگز رخ نمی دهد. اما اگر خواب خرد بشری، هیولا می آفریند، غفلت از عشق، مهلکتر از آن است.

به جایی رسیده ایم که زندگی زنده واقعی را کار و چیزی درمایه خدمتی سنگین تلقی می کنیم، و با خودمان توافق کرده ایم که، براساس کتابها، زندگی کردن بهتر است. گاهی خودمان هم نمی دانیم که چرا دور خود می چرخیم و در پی چه هستیم و چه می خواهیم. بیش از صدوپنجاه سال است که برای این پرسش هیچ پاسخی نداشته ایم.

سرگذشت نگارش و انتشار یادداشتهای زیرزمینی

رمان - یا آن طور که روس های و سواسی دسته بندی می کنند - داستان بلند یادداشتهای زیرزمینی، اولین بار در شماره های یک تا چهار نشریه دوران (Орота) منتشر شد و امضای فیودار داستایفسکی هم پای آن بود.

تاریخچه جالبی هم دارد این نشریه پرسروصدا. دوران را فیودار داستایفسکی و برادرش - میخائیل - طی ۱۸۶۴ - ۱۸۶۵ منتشر می کردند و دراصل، جایگزین مجله زمان (Время) شده بود. دو شماره نخست این نشریه برای ماههای ژانویه و فوریه، همزمان در مارس ۱۸۶۴، بیرون آمد که فصل اول یادداشتهای زیرزمینی را دربرمی گرفت. درکل، این رمان

چهارشماره نخست مجله را به خود اختصاص داد. کروکودیل - داستان بعدی داستایفسکی - نیز محتوای اصلی شماره آخر این مجله را دربرداشت. داستان کروکودیل البته جدلی آشکار بود با چیرنی شفسکی و دراصل، نقد آرای نیکالای دایرلوباف. این داستان در قالب هجو، تناقض بارز داستایفسکی و محافل و نشریات سیاسی جبهه لیبرال را بیان می‌کرد. بعد از مرگ میخائیل داستایفسکی (۱۸۶۴)، خود فیودار داستایفسکی شد سردبیر اصلی مجله دوران؛ و او هم، به خاطر مشکلات اقتصادی، ناچار شد انتشار مجله را در فوریه ۱۸۶۵ متوقف کند. این مجله در کنار آثار داستایفسکی، مقالاتی از آپالون گریگوری یف و نیکالای سترخوف و داستانهایی از نویسندگان مشهور آن دوره، نظیر ایوان تورگنیف و نیکالای لِسکوف، منتشر می‌کرد و فسی‌والود کریستوفسکی هم، که بیشتر یک سیاسی‌اجتماعی‌نویس بود، در همین نشریه مطالب ارزشمندی می‌نوشت.

یادداشتها، فصلی نو در آثار داستایفسکی است. در مرکز داستان، سیمای تیپیک یک ایدئولوگ و متفکر ظهور می‌کند با روحیه تودار و گوشه گیر، که هرچند سیستم نظری بی‌نهایت غریب و پارادوکسالی دارد، از منظر تئوریک، محدود است. داستایفسکی، بدون همفکری با ضدقهرمان خودش، چنان به نحوه استدلال و بحث و داوری این آدم قوه اثباتی می‌دهد که درست پس از این اثر بسیاری از قهرمانان بزرگش از چنین مزیتی سود می‌برند. اولین و مشهورترین آنها، راسکولنیکاف جنایت و مکافات؛ دومین، ایپلیت تیرنتی یف رمان /بله؛ سومین، کیریلوف (پرسوناژ مرکزی رمان

ا/هریمان)، که منتقدانی نظیر لیانید گروسمان پروتوتیهای مختلفی را برایش در نظر گرفتند؛ چهارمین، شاتوف (باز هم پرسوناژ مرکزی رمان ا/هریمان)، آن کارمند بیست و هفت ساله نیهیلیست و یشیمان؛ پنجمین، سناور وگین (قهرمان رمان ا/هریمان)، که لیانید گروسمان بعدها پروتوتیپش را باکونین اعلام کرد؛ و ششمین و مهمترینشان، دمیتری و ایوان کارامازوف است.

ساختار داستان یادداشتهای بر پایه کنتراست گذاشته شده است. داستایفسکی در نامه‌ای که در ۱۳ آوریل ۱۸۶۴ به برادرش نوشت، سعی داشته این طور توضیح دهد:

تو که حتماً خوب متوجهی مفهوم پاساژ در موسیقی چیست. اینجا هم دقیقاً همین طور شده. فصل اولش ظاهراً وراجی و روده‌درازی است، اما ناگهان این وراجی در دو فصل انتهایی، تا حد فاجعه‌ای غیرمنتظره، گسترش می‌یابد.

این ساختار هنری یادداشتهای چنان غیرمعمول بود که حتی معاصران ماهر و باتجربه داستایفسکی، هرچند استاد طرح چنین پرسشهایی در ادبیات بودند، در ابتدا، ماهیت اثر را دریافتند و سعی کردند ایدئولوژی انسان زیرزمینی را با جهان‌بینی داستایفسکی یکی بشمارند. در فرایند کار روی داستان، داستایفسکی به دشواری مسأله‌ای که پیش روی خود طرح کرده، بیشتر هم پی می‌برد. در نامه‌ای به برادرش (۲۰ مارس ۱۸۶۴) این طور می‌نویسد:

نشسته‌ام به نوشتن این داستان ... دارم رویش کار می‌کنم ... نوشتنش به مراتب دشوارتر از آنی است که فکر می‌کردم.